

پدیداری به‌نام خانه اندیشمندان علوم انسانی



علیرضا غریب دوست

دبیر انجمن حقوق‌شناسی



تلخی تصاویر منتشرشده از پایان فعالیت خانه اندیشمندان علوم انسانی در ساختمان نیش پارک ورشو، دولتمردان را بر آن داشته که از شهردار تهران پاسخ بخواهند و ایشان هم‌به‌موجب نامه رسمی، گزارشی مبسوط و به زعم خودشان قانع‌کننده به رئیس‌جمهور ارائه کرده است. این دانش‌آموز حقوق، نظر شهردار تهران، اعضای شورای شهر، مسئولان و مقامات دولتی و حتی مسئولان قضایی کشور را به این تحلیل فلسفی جلب می‌نماید.

اگر بخواهیم مسئله خانه اندیشمندان علوم انسانی و تلخی‌ها و نامهربانی‌هایی که شهردار تهران بر آن روا داشت را از منظر «پدیدارشناسی» در فلسفه‌مورد بررسی قرار دهیم، بایسته است بدؤا پیش‌داوری سیاسی، ارزشی، اخلاقی و هرگونه سوگیری را کنار گذاشته و «پدیده خانه اندیشمندان» را همان‌طور که «تجربه شده است» توصیف و تحلیل نماییم. در اینجا، «پدیده» یک نهاد مدنی است که به دست استادان دانشگاه و کنشگران علمی به‌صورت داوطلبانه، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و در حوزه تخصصی علوم انسانی ایجاد شده است، ۱۲ سال به‌صورت مستمر به فعالیت پرداخته و به نحوی به مرجع علوم انسانی در ایران تبدیل گردیده، صاحبان آراء و اندیشه‌های متکثر، در طول مدت فعالیت، بدون نگرانی از عواقب تبیین صریح پژوهش‌ها و مطالعات خود-برخلاف محدودیت‌هایی که در دانشگاه‌ها و نهادهای رسمی متداول است - خانه‌ای امن برای ارائه افکار و تجربیات علمی خود ایجاد کرده بودند، خردورزی ناشی از گفت‌وگو و هم‌اندیشی در این «خانه» گسترش یافته بود و به الگویی برای دیگر نهادهای علمی بدل شده بود به نحوی که گزارش عملکرد بی‌تغییر این نهاد، بیش از مجموع فعالیت‌های مشابه همه دانشگاه‌های کشور در حوزه علوم انسانی در بازه زمانی مشابه است. با وجود این‌همه دستاورد و اعتبار علمی، اما در نهایت خانه امن اندیشه‌ورزی آنان، توسط نهادی صاحب قدرت و به حکم «قانون»، تعطیل و فعالیت در آن مکان، متوقف می‌شود.

پدیدار تجربه‌شده، نوعی فروپاشی در افق مفهومی و معنایی گنشگران علمی است که به‌صورت یک «گسست در زیست‌جهان علمی» توسط آنان‌ی که به «پدیده» معنا و مشروعیت بخشیده بودند، تجربه شده است. برای استادان علوم انسانی و هزاران نفر از اندیشمندانی که در طول دوازده سال فعالیت، تجربیات زیستی خردورزانه در آن مکان داشتند، پایان فعالیت این‌نهاد علمی که‌در توسعه‌خردگرایی‌پیشگام بود، نه صرفاً تعطیلی یک سازمان و موسسه خصوصی، بلکه نابودی «جهانی از معنا» است که «آنها» در این سالیان بلند «برساخته» بودند. وقتی این نهاد علمی که مرجعیت خودانگیخته داشته، توسط قدرت رسمی و به حکم قانون متوقف و بی اعتبار می‌شود، برای کنشگرانی که بناکنندگان آن زیست‌بوم معنایی بودند، احساس و ادراک «ناامنی معرفتی و نهادی» را تداعی می‌کند؛ گویی کنشگری آزاد از ساحت «امکان»، به پرتگاه «امتناع» افتاده است.

کنشگرانی که علم و خردورزی را مبنای مشروعیت می‌دانستند، با ساختاری مواجه شدند که مبنای مشروعیتش را نه از دانش و خرد، که از «قدرت» به‌دست آورده است و آنان با ذره‌ذره وجودشان، بی‌قدرتی و ناتوانی خویش را در برابر

«قدرت» زیسته‌اند، چراکه جهان معنایی علمی آنها در مواجهه با «جهان مفهومی قدرت»، ناکام، ناتوان و نافر جام بوده و نتوانستند قدرت را قانع کنند که از تسلط بر آنجا صرف‌نظر کند؛ آزموده‌ای که دوقطبی، میان «دانش» و «قدرت» را به نحوی شفاف در تجربه تلخ زیسته آنان تشدید کرده است. در حقیقت ساخت معنایی پدیده، منازعه میان عقلانیت در دو نظام معنایی متضاد است؛ «عقلانیت علمی - ارتباطی» از یکسو و «عقلانیت ابزاری» از سوی دیگر. توقف فعالیت‌های «خانه اندیشمندان» در ساختمان ورشو و لحظه فروریختن و نابودی تلخ و دردناک تابلوی مشهور آن، نمایانگر تلاقی دو افق متفاوت از عقلانیت است. هدف عقلانی و علمی اعضای خانه اندیشمندان، کسب مشروعیت معرفتی، ناشی از تفاهم و همفکری بود که به‌دور از انتظار آنان، در تقابل با عقلانیت ابزاری صاحبان قدرتی قرار گرفت که تنها به پیروزی و سلطه می‌اندیشیدند.

امروز، اعضای خانه اندیشمندان در تجربه خود، به‌وضوح تضاد میان رویکرد عقلانی خویش که همواره از طریق گفت‌وگو، نقد، همفکری و داوری به «حقیقت و معنا» دست می‌یافتند و مشروعیت را از «دلائل منطقی» و «شفافیت در گفتمان علمی» به‌دست می‌آوردند، با رویکرد «عقل ابزاری صاحبان قدرت» و «قانون» که متمرکز بر کنترل، تسلط و دستیابی به نتیجه با هر هزینه‌ای است را به چشمان خویش دیده و این تجربه از خردورزی ناکام خویش را زیسته‌اند. در حقیقت این ادراک، تجربه زیسته اهالی خانه اندیشمندان علوم انسانی است. «پدیده» در اینجا نه یک رویداد بوروکراتیک صرف مبنی بر توقف فعالیت «موسسه»، بلکه «رخدادی معنایی» است که نشان می‌دهد «منطق قدرت» بر «منطق معنا» برتری و چیرگی دارد. به بیان دیگر در سطح وجودی، تعطیلی خانه تجربه تلخ «هیچ بودن معنا» و نامشروع بودن خردورزی و استقرار وضعیت امتناع در گفت‌وگوی خردمندان، را به کنشگر دانشگاهی گوشزد می‌نماید؛ تجربه‌ای که قطعاً به انزوا و سکوت این کنشگران در حوزه علوم انسانی و کناره‌گیری از کنش علمی و انصراف از بازآفرینی معنا در قالب‌های جدید و غیررسمی می‌انجامد. اگرچه ممکن است این وضعیت در بلندمدت، به دلیل خصلت وجودی کنشگران و نیاز آنان به «تولید مناسبات تولیدی علمی» دگرگون شود، اما تا آن زمان، زبان‌های جبران‌ناپذیری نصیب جامعه خواهد شد. بانگاه‌پدیدارشناسانه، تعطیلی خانه اندیشمندان، نماد بحرانی شدن زیست‌بوم علمی در جامعه امروز ایران است که تقابل میان «دانش» به مثابه نظام معنا با «قدرت» به مثابه نظام کنترل‌کننده و سلطه‌جو را فریاد می‌زند. به دیگر سخن، فرجام خانه، نشانه آشکاری است از شکاف عمیق و گسست میان جامعه‌نخبگان فرهنگی و دانشگاهی با اصحاب قدرت. بدین توصیف، هرگونه توجیه شهردار تهران، اعضای شورای شهر، رئیس‌جمهور و مسئولان و مقامات دولتی و حتی مقامات قضایی، در تبیین چرایی وقوع این ناکامی و نقش آنان در این فاجعه، بی‌ثمر و بی‌غایت است. چراکه نخبگان و دانشگاهیان مبتنی بر تجربه زیسته خود، در پی این بی‌مهری آشکار که به ادراک ناامنی نهادی منجر شده است، نه‌تنها زین‌پس در بزنگاه‌های بحرانی پیش روی جامعه، کنشگری نخواهند کرد، بلکه ناتوانی «صاحبان قدرت» را در «حل مسائل فراینده و بحرانی»، به نظاره خواهند نشست. حالا باید «قدرت» به این بیان‌دیشد که چگونه می‌تواند در غیاب نخبگان، «طرفیت حل مسئله» و توانایی عبور از بحران‌های ویرانگر آتی را در خود تقویت کند. آیا می‌تواند با عقل ابزاری سلطه جو، در حل آب‌ر مسائل بحرانی جامعه توفیق یابد؟ سلمننا...



در انتظار باران

دیروز برخی ائمه جمعه از عوامل ماوراء طبیعی خشکسالی‌ها گفتند

تبدیل شود. شفافیت تصمیم‌گیری، استفاده از دانش روز، توجه به تجربه‌های موفق جهانی، بازنگری در سیاست‌های کشاورزی، کنترل توسعه صنعتی آب‌بر، بازسازی حکمرانی محیط‌زیست و مشارکت دادن مردم در مدیریت مصرف، از جمله گام‌هایی است که می‌تواند مسیر حرکت کشور را اصلاح کند. در مجموع می‌توان گفت که علت اصلی خشکسالی ایران ریشه در سوءمدیریت، ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت دارد.

▼ با عشق و اخلاص در نماز باران شرکت کنید

احمد خاتمی، امام جمعه تهران در خطبه نماز جمعه روز گذشته پایتخت به موضوع خشکسالی و نابردن نزولات مطرح کرده و گفت: «در این وضعیت گناه اثر دارد که نمونه آن کفران نعمت است. خداوند نعمت جمهوری اسلامی را داده و باید تشکر کرد. زور به مردم گفته نشده و حق مردم داده شود و کم‌فروشی و گران‌فروشی و ترک امر به معروف و نهی از منکر صورت نگیرد.» او در ادامه افزود: «وقتی گروهی معصیت کنند خداوند بارانش را می‌گیرد، پس گناه اثر دارد و باید رو به خدا بیاورید؛ به حمدالله نماز باران در کشور خوانده می‌شود لذا با اخلاص و عشق و با تضرع در آن شرکت کنید که انشالله اثر می‌کند. کاهش باران در ایران در ۵۸ سال اخیر بی سابقه بوده است؛ نماز باران در کشور خوانده می‌شود پس با اخلاص و عشق در آن شرکت کنید که انشالله اثر می‌کند. اولین مسئله ما کاهش بارش باران و نزولات آسمانی است که این موضوع در ۵۸ سال اخیر در ایران بی سابقه بوده است. کاهش نزولات آسمانی فقط مربوط به ایران نیست و مربوط به کل جهان می‌شود. در کشورهای اسلامی نماز باران خوانده شده و در گوشه و کنار کشور ما نیز خبرهایی از برپایی نماز باران می‌رسد. براین اساس کاهش نزولات آسمانی و باران مسئله جهانی است و سیاسی نیست؛ مسئله همگانی است و همه باید برای عبور از این مشکل دست به دست هم دهند.»

▼ خشکسالی فقط گریانگیر جمهوری اسلامی نیست

محمدتقی سبحانی‌نیا، امام جمعه موقت قزوین نیز روز گذشته در خطبه‌های نماز جمعه با بیان اینکه نزول باران رحمت، مشروط به مشارکت همگانی در استغفار و عبادت است، خطاب به متقدنان گفت: «کسانی که در نماز باران شرکت نمی‌کنند، نباید انتظار معجزه داشته باشند. ما امروز با پدیده بزرگ خشکسالی مواجهیم که طبق آمار در ۵۰ سال گذشته سابقه نداشته است. این خشکسالی اختصاص به ایران ندارد. متأسفانه درفضای مجازی و حقیقی برخی به غلط ادعا می‌کنند که این پدیده فقط گریبانگیر جمهوری اسلامی است، درحالی‌که خشکسالی تقریباً در تمام دنیا از جمله اروپا و کشورهای عربی وجود دارد و اخیراً شاهد برگزاری نماز باران در برخی کشورهای عربی بوده ایم.» او با تاکید بر لزوم تدلوم دعا و عبادت برای رفع خشکسالی، تاکید کرد: «نماز باران یک دعا و عبادت اجتماعی است و اینگونه نیست که با یک بار خواندن، حتماً باران ببارد. همانطور که برای سایر حاجاتمان مکرر از خداوند درخواست می‌کنیم، برای طلب باران نیز باید استغاثه و نماز باران را تکرار کنیم.» سبحانی‌نیا با اشاره به برگزاری نماز باران در هفته گذشته در قزوین، از عموم مردم خواست: «در صورت برنامه‌ریزی برای نماز باران، با حضور حداکثری در این عبادت جمعی شرکت کنند و فراموش نکنند که نزول رحمت الهی منوط به مشارکت همگانی و بازگشت همگان به سوی پروردگار است. باید توجه داشت که حبس باران الهی تنها یک علت ندارد؛ اگر چه گناهان مردم به‌ویژه گناهان اجتماعی یکی از عوامل مهم است، امام‌سائلی مانند آلودگی‌های صنعتی، گازهای گلخانه‌ای، جنگ‌ها و تغییرات اقلیمی نیز در این پدیده نقش دارند.» امام جمعه موقت قزوین گزارفروشی، کم‌فروشی، ربا، رشوه و بی‌حجابی را از مصادیق گناهان اجتماعی برشمرد و از مردم خواست: «هرکس در حد توان و در چار چوب شرع و عرف، نسبت به نهی از منکر اقدام کند، البته به گونه‌ای که وحدت جامعه حفظ شود.»

▼ بن بست‌ی برای رفع مشکل آب نداریم

سیداحمد رضا شاهی‌خی نیز در خطبه‌های این هفته نماز جمعه خرم‌آباد اعلام کرد: «باید نکات علمی و تدبیر دقیق به کار گرفته شود، باید توجه کنیم که خداوند چه نعمت‌هایی به ما داده و اگر از آنها محروم شویم با سختی مواجه می‌شویم، در جاهایی نماز باران خوانده شده و مادر این ایام که متعلق به حضرت فاطمه زهرا (س) است و در این روز جمعه که متعلق به امام‌زمان (عج) است، دعای کنیم شاهد بارش باران رحمت در استان باشیم.»

▼ کم‌آبی راه حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد

سیدمحمد سعیدی، امام جمعه قم نیز در خطبه بعد از نماز طلب باران بر ضرورت رعایت تقوای الهی تاکید کرده و گفت: «ما باید قدر نعمت‌های الهی را بدانیم و تقوای الهی را رعایت نماییم تا انشالله رحمت الهی نازل شود. یکی از نعمت‌ها وجود رهبر معظم انقلاب اسلامی است. همه به‌ویژه سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه باید گوش به فرمان ایشان باشند تا شاهد رفع مشکلات کشور باشیم. امیدوارم با دعای خیر حضرت صاحب‌الزمان (عج) شاهد بارش رحمت الهی باشیم.» او تاکید کرد: «مشکل کم‌آبی راه حل‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دارد و هیچ بن‌بستی برای رفع این مشکل وجود ندارد. در کنار دعا و تضرع از درگاه الهی برای

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گروه خبر: روز گذشته ائمه جمعه در شهرهای بسیاری به موضوع خشکسالی و خواندن نماز باران در خطبه‌های نماز جمعه اشاره کردند. شرایط خشکسالی ایران تا حدی بحرانی شده که برخی ائمه جمعه به این واقعیت رسیده‌اند که اکثر آنها منشأبخش قابل توجهی از مشکلات کنونی را گناهانی از جمله گران‌فروشی، احتکار و کم‌فروشی اعلام کرده‌اند. در همین هفته گذشته به‌ویژه روز گذشته امام‌مردم ایران که به‌نوعی از مدیریت ناامید شده‌اند، نماز باران خواندند و خواستار نزولات بودند؛ در شرایط بحران کم‌آبی کشور، بیر جند، خمینی‌شهر، اراک، تهران، گناوه، قزوین و... از جمله شهرهایی بودند که مردمانش نماز باران برگزار کردند.

▼ نماز استسقاء طلب آب در چاه‌ها و منابع زمینی

آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی، از مراجع تقلید قم نیز در جلسه هفتگی درس اخلاق در مسجد اعظم قم که با حضور اقشار مختلف مردم برگزار شد، با اشاره به رحمانیت فراگیر ذات اقدس الهی، گفت: «کارهای خداوند سراسر رحمت و برکت است و هیچ امری از او صادر نمی‌شود مگر آنکه مایه‌ی رحمت و خیر باشد، تأخیر در بارش باران نیز از جلوه‌های امتحان الهی و رحمت است. دستور به برپایی نماز استسقاء نیز خود نشانه‌ی دیگری از رحمت خداوند است، زیرا نظام عالم بر مدار رحمت او می‌چرخد. آنچه در فرهنگ دینی آمده و مستحب است نماز استسقاء است نه استمطار! این نماز استسقاء یعنی طلب آب، تنها برای طلب باران نیست، بلکه برای فراوانی آب در چاه‌ها، چشمه‌ها و منابع زمین است؛ یعنی هدف، آب‌رسانی و زنده شدن طبیعت به برکت دعا و بندگی است. این نماز مستحب مؤکد است و می‌توان آن را به صورت فردای یا جماعت، همانند نمازهای عید قربان و عید فطر اقامه کرد.» او با اشاره به آداب این عمل عبادی افزود: «شایسته است مؤمنان پیش از برپایی نماز استسقاء دو روز روزه بگیرند و در روز سوم که روز نماز است، در حال روزه این عبادت را انجام دهند. هر چند روزه گرفتن شرط صحت نیست، اما شرط کمال این عمل عبادی است. خدای سبحان بنده‌ی خاضع و مطیع را دوست دارد و عبادت از سر نیاز و بندگی، محبوب اوست. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که گسترش برخی گناهان همچون ظلم در دستگاه قضا و ستم در نظام اقتصادی و گرفتن زیرمیزی و رومیزی، سبب نزول بلا و بازداشتن رحمت الهی می‌شود. زمین و آسمان آگاهند و فردا در قیامت شهادت می‌دهند؛ زیرا عالم هستی نسبت به کردار انسان‌ها بی تفاوت نیست. راه اصلاح، توبه و بازگشت به خداست، اما توبه در حق الناس تنها با استغفار زبانی کافی نیست، بلکه باید حق مردم آدا شود.»

▼ بی‌توجهی مسئولان به بحران و فاجعه تبدیل شد

با وجود آن که نتایج پایش‌ها، گزارش‌های علمی و پژوهش‌های متعدد، تصویری روشن و هشدارآمیز از آینده منابع آب ایران ارائه می‌کرد، متأسفانه این هشدارها آن چنان که باید، در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت کلان مورد توجه قرار نگرفت. ایران کشوری است که بنا بر شاخص‌های اقلیمی، در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد و از دید ربا بر چالش کم‌آبی مواجه بوده است؛ اما طی چهار دهه گذشته، مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های نادرست، توسعه‌های غیراصولی، برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی و نبود برنامه‌ریزی مبتنی بر واقعیت‌های اقلیمی، این چالش طبیعی را به مرز بحران و در برخی مناطق حتی به سطح فاجعه رسانده است. این روزها در بسیاری از استان‌های کشور، وضع منابع آب سطحی و زیرزمینی به حدی بحرانی شده که برخی کارشناسان آن را یکی از جدی‌ترین تهدیدهای امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کشور می‌دانند. خشک شدن تالاب‌ها، کاهش بی‌سابقه سطح سفره‌های آب زیرزمینی، فرونشست گسترده دشت‌ها، کاهش کیفیت آب آشامیدنی، از دست رفتن اراضی کشاورزی و مهاجرت‌های محیط‌زیستی از جمله نشانه‌هایی هستند که اهمیت و ابعاد این بحران را آشکار می‌سازند. بحران آب تنها یک مسئله فنی نیست؛ موضوعی است که می‌تواند ساختارهای جمعیتی، اقتصادی و حتی فرهنگی کشور را در میان‌مدت و بلندمدت تحت تأثیر قرار دهد.

اشاره به این نکته ضروری است که بسیاری از کشورهایی که در فرهنگ، ساختار اجتماعی یا سبک زندگی مشابهت چندانی با ایران ندارند و حتی برخی این کشورها را بلاد کفر می‌نامند، نه‌تنها با چنین بحران کم‌آبی گسترده مواجه نیستند، بلکه توانسته‌اند از طریق مدیریت علمی، فناوری‌های نوین و برنامه‌ریزی دقیق، منابع محدود آب خود را کنترل و مدیریت کنند. بنابراین، مقایسه تجربه کشورهایی که شرایط اقلیمی سخت‌تری دارند اما توانسته‌اند با مدیریت صحیح، وضعیت پایدارتری ایجاد کنند، نشان می‌دهد که ریشه بحران موجود در ایران را باید در نظام حکمرانی آب و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها جست‌وجو کرد، نه در مسائل فرهنگی یا اجتماعی. بحران آب در ایران محصول دهه‌ها اجرای سیاست‌هایی است که هم‌راستا با ظرفیت‌های طبیعی کشور نبوده است. از توسعه بی‌رویه کشاورزی بر مصرف گرفته تا اجرای طرح‌های انتقال آب بدون ارزیابی دقیق، از فقدان نظام کارآمد قیمت‌گذاری و مدیریت مصرف تا ضعف نظارت بر برداشت منابع زیرزمینی، همگی در شکل‌گیری وضعیت موجود نقش داشته‌اند. افزون بر این، تغییرات اقلیمی جهانی نیز شرایط را سخت‌تر کرده، اما باید توجه داشت که این تغییرات تنها یک عامل تشدیدکننده بوده‌اند؛ نه علت اصلی.

واقعیت آن است که ایران برای خروج از این وضعیت نیازمند رویکردی جامع، علمی و فرابخشی است. مدیریت منابع آب باید از سطح شعار و اعلام هشدار فراتر رفته و به اقدامی عملی، نظاممند و مبتنی بر تخصص

گزارش یک



سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی

سیداحمد رضا شاهی‌خی



سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی

سیدمحمد سعیدی